سالگرد شهادت شهید سرلشکر حسن اقارب‌پرست

اسطوره تقوا، مقاومت، ایثار و شهادت

قسمت اول

اشاره

یکی از عرصه‌های مهم و جاودانه تاریخ ایران اسلامی، دوران هشت ساله دفاع مقدس است که برای به ثمر نشستن آن تمامی ملت سر افراز ایران سهیم بوده‌اند. دفاع مقدس یادآور هشت سال پاسداری از حریم کشور و دفاع از عزت و شرف و ارزش‌های مقدسی است که زن و مرد و پیر و جوان برای حفظ آن، عزیزترین هستی خویش را نثار کردند.

نام شهیدان گرانقدر ایران اسلامی که با نثار جان خود و در اوج مظلومیت و گمنامی باعث شدند تا کشور عزیزمان قله‌های ترقی و پیشرفت را یکی پس از دیگری طی کند همواره بر تارک پر افتخار میهن می‌درخشد. اینک پس از گذشت سال‌ها از آن دوران شور و حماسه، ما وارث مردان مردی هستیم که در سال‌های پربار زندگی خود بدون هیچ چشم‌داشتی، از تمام وجود و هستی‌شان به خاطر سربلندی، عزت، اقتدار، امنیت و پیشرفت ایران اسلامی و پیاده شدن آرمان‌های مقدس جمهوری اسلامی ایران گذشتند.

از این رو بر خود تکلیف دیدیم که در این راستا گوشه کوچکی از زندگینامه و رشادت‌های یکی از این قهرمانان و حماسه‌سازان ایران زمین، شهید سرلشکر حسن اقارب پرست را در ایام سالگرد شهادت این اسطوره ارتش بازگو نماییم.

***دوره حضور در ارتش پیش از انقلاب**

حسن اقارب‌پرست در اردیبهشت‌ماه ۱۳۲۵ در اصفهان متولد شد. او دوران تحصیل خود را با دریافت دیپلم ریاضی به اتمام رسانید. در کنار فراگیری علم، در کنار پدر به هیأت‌های مذهبی رفت و آمد داشت که دوره تجوید قرآن و آموزش عربی را نیز فرا گرفت، حسن صوتی زیبا و دلنشین داشت.

با گذشت ۱۸ سال از بهار زندگی‌اش در تابستان ۱۳۴۳ پس از مشورت با خانواده وارد ارتش شد. به دلیل داشتن روحیه و اعتقاد بالای مذهبی، پیوسته تلاش می‌کرد بر دیگران و اطرافیان خود هم تأثیرات مثبتی داشته باشد. در محیط دانشکده، حسن به دنبال همدمی می‌گشت که بتواند مشکلات و درد دل‌های دینی‌اش را با او بازگو کند و با اولین شخصی که آشنا شد، استاد نقشه‌خوانی‌اش جناب سروان "سید موسی نامجوی" بود. حاصل این آشنایی، ایجاد ارتباط با دانشجویی مؤمن و مذهبی به نام "یوسف کلاهدوز" شد. در سال ۱۳۴۷ حسن و یوسف از دانشکده افسری فارغ‌التحصیل و با درجه ستوان‌دومی برای دوره زرهی به شیراز منتقل شدند. در آنجا نیز مصمم و استوار از اعتقادات خود دست برنداشتند. به همین دلیل با چند نفر دیگر توانسته بودند با برقراری ارتباط با افراد متعهد و متدین ارتش که در جای جای بدنه این نیروی نظامی حضور داشتند، هسته‌های مقاومت را در یکان‌ها و پادگان‌ها تشکیل دهند که پس از پیروزی انقلاب اسلامی، همین کار سبب پایداری ارتش جمهوری اسلامی شد. به پیشنهاد سیدموسی نامجوی که در آن زمان در دانشکده افسری استاد نقشه‌برداری بود، به عضویت یک سازمان مخفی نظامی درآمد و آموزش‌های لازم را در درون تشکیلات دید، او حتی درباره عضویت در این سازمان، به عزیزترین دوست و هم دوره‌ای خود یعنی یوسف کلاهدوز حرفی نزد تا این که در یک جلسه مخفی تشکیلاتی با او روبه‌رو شد و معلوم شد هر دو عضو این سازمان نظامی- سیاسی- مذهبی هستند و خود این موضوع هم عاملی شد که پیوند دوستی حسن با کلاهدوز محکم‌تر شود. او همیشه تلاش می‌کرد تا از افراد ممتاز باشد و فنون نظامی را به نحو احسن یاد بگیرد تا در مواقع لزوم، سربازی مفید برای اسلام باشد. همچنین ورزش جزء لاینفک زندگی او بود و از اسب‌سواران خوب و عضو تیم چوگان ارتش بود.

***ازدواج**

در سال ۱۳۴۹ خانواده یوسف کلاهدوز که ساکن قوچان بودند به علت تعمیرات خانه‌شان برای مدتی به شیراز رفتند و این سفر ۴۵ روزه آن‌ها باعث شد که حسن با خواهر کلاهدوز آشنا شود. وی در این آشنایی پی برد که آنچه از یک همسر دلخواه می‌خواهد، در وجود خواهر کلاهدوز نهفته است. دختری که محجوب و پاک بود و احکام اسلام را مو به مو رعایت می‌کرد. و این گذشت تا اینکه در سال ۱۳۵۰، این زوج جوان و معتقد، زندگی مشترکی را آغاز کردند.

***مأموریت به خارج از کشور و انجام حج عمره**

اقارب‌پرست در سال ۱۳۵۲، برای طی دوره تانک چیفتن به کشور انگلستان اعزام شد و با دنیایی تجربه و اندوخته برگشت و در بازگشت از سفر، به زیارت خانه خدا رفت و حج عمره را به جای آورد.

مدتی بعد، برای طی دوره‌ای دیگر به آمریکا رفت و در بازگشت از طریق ترکیه به عراق عزیمت کرد و در آنجا به عتبات عالیات مشرف شد و با روحیه‌ای بالاتر و شوقی بیشتر به فعالیت پرداخت. در سال ۱۳۵۴، کلاهدوز به تهران منتقل شد و در تهران جبهه‌ای جدید بر ضد رژیم طاغوت گشود و حسن در شیراز ماند.

***فعالیت‌های انقلابی و مبارزاتی**

در سال ۱۳۵۶ که علائم نارضایتی مردم در ادامه روند مبارزات تاریخی امام خمینی(ره)، امکان بروز و ظهور مجدد یافت، اقارب‌پرست که برای این روزها ثانیه شماری می‌کرد فعالیت خود را گسترده‌تر و حتی کمی علنی‌تر کرد و با کمک کلاهدوز، به سازماندهی نیروهای انقلابی پرداخت. در این برهه، وظیفه حسن و کلاهدوز، دریافت اعلامیه‌های امام(ره) از طرف سازمان مخفی بود که توسط سید موسی نامجوی تهیه می‌شد، او نه فقط اعلامیه‌ها و نوارهای امام(ره) را در شهر پخش می‌کرد، بلکه در داخل پادگان هم از تبلیغات باز نمی‌ایستاد و به فعالیت‌های پنهانی سیاسی- مذهبی خود ادامه می‌داد.

روزی که پدر حسن با استخدام او در ارتش موافقت کرد نهالی را کاشت که امروز باید ثمر می‌داد. کوچکترین اهمال و سستی در کار خود نداشت و شبانه روز در خط امام(ره) حرکت می‌کرد. در این راستا همسرش که خود نیز فردی معتقد و متدین بود، او را یاری می‌کرد و این زوج معتقد در آن روزها نشان دادند که هر دو مظهر اراده و کار و تلاش هستند. درست در حساس‌ترین لحظات مبارزه مردم، به او دستور دادند که برای طی دوره فرماندهی و ستاد به تهران عازم شود و حسن علی‌رغم میل باطنی و با وجود نیاز به فعالیت او در تشکیلات مخفی در شیراز؛ مجبور شد که شیراز را به قصد تهران ترک کند و یاران مشتاق خود را تنها بگذارد. البته با آمدن به تهران به هسته اصلی سازمان مخفی نزدیک شد و در کنار استاد نامجوی، خدمات شایانی برای پیروزی انقلاب اسلامی انجام داد. سرانجام صدای انقلاب در رسانه‌های گروهی پیچید و در روز ۲۲ بهمن ماه ۵۷، انقلاب اسلامی پیروز شد و اولین اندیشه حسن و همکارانش سازماندهی مجدد ارتش بود.

***پیروزی انقلاب اسلامی و تلاش برای سازماندهی ارتش**

حسن به همراه کلاهدوز و استاد نامجوی به پی‌ریزی مبانی اسلامی و اعتقادی در دانشکده افسری مشغول شدند و برای آنکه طرح استاد نامجوی برای تبدیل دانشکده افسری به فیضیه ارتش عملی شود، حسن اقارب پرست از هیچ‌گونه کمکی دریغ نکرد. اقدامات مؤثر این عزیزان در سال ۱۳۷۵با تغییر نام دانشکده افسری به دانشگاه افسری امام علی(ع) به ثمر نشست و در تاریخ ثبت شد. بعد از فراغت از پی‌ریزی مبانی دانشگاه افسری در کنار استاد نامجوی، به بازبینی و بازآفرینی امور فرهنگی و آموزشی سایر قسمت‌های ارتش پرداخت و اقدامات اولیه را برای بازسازی آن آغاز نمود.

اقارب‌پرست و کلاهدوز در طرح‌ریزی و سازماندهی بسیج این نیروی عظیم الهی که در دوران دفاع مقدس حماسه آفریدند و همچنان مسیرشان در ابعاد و زمینه‌های مختلف ادامه دارد و در پایه‌ریزی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نقش اساسی و مهمی ایفا نمودند بطوری که سروان یوسف کلاهدوز به همراه تعدادی از افسران متعهد و متدین از ارتش منفک و برای تشکیل و سازماندهی به این ارگان نوپای انقلاب منتقل شد.

از بوبیان تا بصره

ناگفته‌هایی از عملیات بیت‌المقدس هفت

قسمت هفدهم

راوی: عبدالخالق فرهادی‌پور

شکنجه‌ها در اسارت تمامی ندارد

بچه‌های لشکر المهدی(عج) و گردان ثارالله هم جمعا پانزده نفری می‌شدیم که اسیر شده بودیم و وقتی این آمار را با آمار و تعداد کم شهدای عزیزمان در عملیات بررسی میکردم باورمان نمی‌شد که در مقابل آن خیل یگانهای زرهی و مکانیزه و.... دشمن و دفع چندین پاتک سنگین دشمن در آن هوای داغ تقریبا ۶۰ درجه‌ای و شرجی شلمچه، کمترین تلفات و اسیر را داشته‌ایم و اگر یاری خداوند و اهل‌بیت(ع) نبود و عمده قوای‌مان نجات پیدا نکرده بودند قطعا باید حدود دویست نفر حداقل اسیر و شهید داشته باشیم که از این بابت خیلی خوشحال بودم و خداوند را شکر کردم، وضعیت چند نفر از اسرا بیش از همه دلهای سایر اسرا رو آزار می‌داد، یکی فرمانده فداکار گردان ثارالله آقای قنبری بود که همه اسرا بخاطر لو رفتن ایشان و شکنجه‌ها و بازجویی‌های مضاعف این بزرگوار بشدت ناراحت و غمگین بودند، دوم، دونفر پیرمرد سن بالا و دقیقا مشابه حبیب ابن مظاهر بودند و اتفاقا از المهدی عج و گردان ثارالله این پیران دلاور آقایان بزرگوار حاج آقای جمشیدی که معلمی بازنشسته و مربی قرآن و انسانی وارسته و با ایمان و استقامتی کم نظیر و اهل شهرستان نورآباد ممسنی بود که البته دوسه ساله که از این دنیای فانی عروج کرده، و دیگری هم آقای بهروز گرامی پیرمرد عزیز و مظلومی که اهل شهرستان داراب بود، نوجوانانی بودند که غیرت و مردانگی را در سن کم نوجوانی تعریفی دیگر کرده بودند و سینه‌های خودرا سپر بلای ایران و اسلام کرده بودند تا یک وجب از خاک ایران تسلیم دشمن نشود، چقدر دیدن این عزیزان زیر شکنجه همراه با ناله‌های کودکانه و معصومانه آنها جانسوز و جگرخراش بود، ظهر که شد در اتفاقی ناجوانمردانه و جلو چشم همه یکی از کماندوهای بیرحم و خونخوار بعثی چنان با قنداق اسلحه به صورت آن پیرمرد نازنین دارابی یعنی آقای بهروز مرادی کوبید که فک این پیرمرد نازنین شکست!!! و اشک همه جاری شده بود، (در فیلم اسارت ما هم اگر دقت کنید این پیرمرد با صورت باندپیچی شده مشخص است که توسط یکی از اسرای لشکر ۲۷ که امدادگر بود و الان دکتر و در تبریز هستند باندپیچی شد).

آقای جمشیدی آن پیرمرد قرآنی و نورانی که در اسارت ایمان و یقین و استقامت وصبر در راه خدا را با اعمالش به سایر اسرا درس می‌داد هم با آن سن زیاد از شکنجه به دست شقی‌ترین انسان‌نماهای روی زمین در امان نماند و با اینکه دستش با تیر و ترکش مجروح شده بود ناباورانه و مظلومانه به او بیشتر گیر دادند و می‌گفتند تو چرا با این سن و سال زیاد به جبهه آمده‌ای و حتما هم بسیجی و داوطلبانه آمده‌ای و....

و بیشتر او را کتک زدند و ضربات کابل بود که بر بدن حاج آقای جمشیدی فرود می‌آمد و کمر خمیده او آنقدر پایین آمده بود که داشت به زمین می‌رسید و برای اسرا عجیب بود که صدای آه و ناله‌ای هم از این پیرمرد و حبیب‌ابن‌مظاهر زمانه شنیده نمی‌شد و فقط لبهایش بهم می‌خورد!!! و عراقی‌ها را هم به ستوه آورده بود و آنقدر او را زدند تا بالاخره از شدت گرمای جهنمی و خستگی از ادامه ضربات کابل دست کشیدند، در این لحظات زجرآور که ما را در ردیف‌های پنج نفره و با فاصله زیاد از هم و بصورت نشسته قرار داده بودند در آن گرمای سوزان ناگهان نیروهای شکنجه‌گر عراقی آمدند و به ترتیب پشت سر ما قرار گرفتند و بعد افسر عراقی با فریاد به اسرا گفت یاالله سرها پایین و همینکه سرهای اسرا پایین رفت فرمان حمله صادر شد، ضربات کابل بود که بر تن بچه‌ها می‌خورد، فریاد یاحسین و یا فاطمه و یا زهرا همراه با آه و ناله باهم در آمیخته و فضا را پر کرده بود، چه صحنه‌های دلخراش و زجرآوری بود که تاریخ بخود کم دیده است و تمامی بدنها چاک چاک و زخمهای قبلی که از شکنجه‌های دیروز و دیشب تاول زده و چرکین شده بود مجدداً دهان باز می‌کرد و همراه با سوزش غیرقابل توصیفی غرق بخون می‌شد و از همه بدتر آفتاب و گرمای وحشتناک که بچه‌ها را جزغاله کرده بود.

و چه عطش شدیدی داشتیم که تا امروز هم احساس تشنگی می‌کنیم چون تا آخر اسارت این بی‌آبی‌ها ادامه داشت و بقول سردار قنبری عزیز که میگوید من هنوز تشنه‌ام و...

وقتی اسرای نوجوان که باید مشغول تحصیل و در رفاه و زیر کولر و زیر سایه پدرو مادر ودر ناز و نعمت باشند را در این شرایط جهنمی نگاه میکردم و یا آن پیرمردها و حبیب ابن مظاهرها را، اشکمان جاری می‌شد و با خود می‌گفتم خدایا چقدر عظمت داری و فدایی داری که هم انبیاء و اولیاء و خاندان عصمت و طهارت در طول زندگی فدای راه تو شدند و در راه تو به شهادت رسیدند و هم در عصر خمینی کبیر چه علی اکبرها و حبیب ابن مظاهرها فدای تو شدند و برای لحظاتی یاد شهدا و مخصوصا مفقودالاثرها و شهدای تشنه‌لب عملیات بیت‌المقدس هفت افتادم و تصور کردم قطعا زمانی فرا خواهد رسید که حقانیت ما برای بشریت و آزادگان جهان معلوم خواهد شد. این شکنجه‌گران هم به نسل‌های آینده خود در عراق خواهند گفت که اسرای ایرانی را بیرحمانه شکنجه می‌کردیم و آنها با دست‌های بسته و در سنین مختلف و آب را در آن جهنم سوزان از آنها دریغ میکردیم و جسم آنها را چاک چاک میکردیم اما روح و ایمان و عزت و شرف آنها را هرگز، و هرچند بطور مداوم آنها را تا حد مرگ شکنجه‌های فجیعی کردیم اما مقاومت آنها را که از مکتب حسین‌بن‌علی(ع) و زینب کبری(س) و حضرت سجاد(ع) و اسرای کربلا درس گرفته بودند را هرگز، و مطمئنا اعتراف خواهند کرد، همانطور که در اردوگاه‌های مخوف صدام بارها شاهد این اعترافات عراقی‌ها بودیم، که در واقع ما اسیر اینها بودیم نه آنها اسیر ما!! و آزادگی را اسرای مظلوم بسیار عالی در مکتب اباعبدالله الحسین علیه‌السلام فرا گرفته بودند، درس‌هایی عملی و نه کتبی.

آگهی مزایده عمومی

نوبت اول

شرکت سهامی آب منطقه‌ای مرکزی (به عنوان دستگاه مزایده گذار) در نظر دارد مزایده فروش حدود ۱۷۰۰ متر لوله GRP مازاد بر نیاز خود را بر اساس مشخصات و شرایط کلی مندرج ذیل برگزار نماید.

۱ – موضوع مزایده: فروش حدود ۱۷۰ متر لوله GRP به قطر ۱۱۰۰ میلیمتر با فشار ۶ بار
۲ – مبلغ پایه: ۲۴،۸۷۱،۰۰۰،۰۰۰ ریال (بیست و چهار میلیارد و هشتصد و هفتاد و یک میلیون ریال)
۳ – مبلغ تضمین شرکت در مزایده: معادل ۵ درصد مبلغ پایه
۴ – محل بازدید: اراک - انبار مرکزی شرکت سهامی آب منطقه ای مرکزی
۵ – تاریخ انتشار: از ۹۹/۷/۲۱ لغایت ۹۹/۸/۷
۶ – تاریخ بازدید: از ۹۹/۷/۲۱ لغایت ۹۹/۸/۷
۷ – مهلت ارسال پیشنهاد: تا ساعت ۸ صبح روز ۹۹/۸/۷ ،ضمناً بازگشایی پاکات نیز پس از ساعت ۸ صبح روز ۹۹/۸/۷ برگزار می‌گردد.
۸ – آدرس مزایده گذار: اراک - خیابان جهاد - فاز یک شهرک شهید بهشتی - شرکت سهامی آب منطقه ای مرکزی - دفتر تدارکات و پشتیبانی، تلفن تماس: ۳۳۱۲۴۹۸۹-۰۸۶

* متقاضیان شرکت در مزایده می توانند جهت دریافت اسناد مزایده و اطلاعات تکمیلی به سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به شماره فراخوان: ۱۰۹۹۰۰۱۱۶۴۰۰۰۰۰۷ به آدرس www.setadiran.ir مراجعه نموده و اسناد را دریافت نمایند. ضمناً آگهی فوق در سایت اینترنتی معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی کشور به آدرس: http://iets.mporg.ir، قابل رویت می‌باشد.

دفتر روابط عمومی شرکت سهامی آب منطقه‌ای مرکزی

آگهی مزایده عمومی

نوبت اول

شرکت سهامی آب منطقه‌ای مرکزی (به عنوان دستگاه مزایده گذار) در نظر دارد مزایده فروش بیتومن انامل و سینتیتیک پرایمر را بر اساس مشخصات و شرایط کلی مندرج ذیل برگزار نماید.

۱ – موضوع مزایده: فروش مقدار ۱۸۷۲۰۰ کیلوگرم بیتومن انامل و مقدار ۹۰۰۰ کیلوگرم سینتیتیک پرایمر
۲ – مبلغ پایه: ۱۰،۲۲۴،۰۰۰،۰۰۰ ریال (ده میلیارد و دویست و بیست و چهار میلیون ریال)
۳ – مبلغ تضمین شرکت در مزایده: ۵۱۱،۲۰۰،۰۰۰ ریال (پانصد و یازده میلیون و دویست هزار ریال)
۴ – محل بازدید: شهرستان شازند - کیلومتر ده جاده شازند نورآباد - انبار پوشش شرکت سهامی آب منطقه ای مرکزی
۵ – تاریخ انتشار: از ۹۹/۷/۱۹ لغایت ۹۹/۸/۷
۶ – تاریخ بازدید: از ۹۹/۷/۲۰ لغایت ۹۹/۸/۶
۷ – مهلت ارسال پیشنهاد: تا ساعت ۸ صبح روز ۹۹/۸/۶ ، ضمناً بازگشایی پاکات نیز در ساعت ۸:۱۰ صبح روز ۹۹/۸/۶ برگزار می گردد.
۸ – آدرس مزایده گذار: اراک - خیابان جهاد - فاز یک شهرک شهید بهشتی - شرکت سهامی آب منطقه ای مرکزی - دفتر تدارکات و پشتیبانی، تلفن تماس: ۳۳۱۲۴۹۸۹-۰۸۶

* متقاضیان شرکت در مزایده می توانند جهت دریافت اسناد مزایده و اطلاعات تکمیلی به سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به شماره فراخوان: ۱۰۹۹۰۰۱۱۶۴۰۰۰۰۰۶ به آدرس www.setadiran.ir مراجعه نموده و اسناد را دریافت نمایند. ضمناً آگهی فوق در سایت اینترنتی معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی کشور به آدرس: http://iets.mporg.ir، قابل رویت می‌باشد.

دفتر روابط عمومی شرکت سهامی آب منطقه‌ای مرکزی

آگهی تغییرات شرکت تولیدی نخ شمال سهامی خاص به شماره ثبت ۲۴۷۵ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۸۸۹۷۸۹

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۷/۰۲/۲۹ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : ۱- ترازنامه و حساب های سود و زیان سال های مالی ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶ به تصویب رسید. ۲- اعضاء هیئت مدیره تا تاریخ ۱۳۹۹/۰۲/۲۹ به قرار ذیل انتخاب گردیدند: آقای امیر رضا عابدی حیاتی به شماره ملی ۰۰۵۸۷۹۱۰۶۱ و آقای رامین عابدی حیاتی به شماره ملی ۰۰۶۴۶۵۵۵۶۳ و خانم صغرا محمودی به شماره ملی ۴۸۳۹۷۰۳۵۱۵ تا تاریخ ۱۳۹۹/۰۲/۲۹. ۳- آقای ابوالفضل عموزاد مهدیرجی به شماره ملی ۵۷۹۹۹۱۳۶۸۱ به عنوان بازرس اصلی ، آقای روح اله کروبی به شماره ملی ۰۰۵۹۹۶۷۲۰۱ به عنوان بازرس علی البدل برای یک سال مالی انتخاب گردیدند. ۴- روزنامه کثیرالانتشار جمهوری اسلامی جهت درج آگهی های شرکت تعیین شد.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان مازندران
مرجع ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری نوشهر (۱۰۲۲۷۳۹)

آگهی مزایده عمومی مرحله اول (نوبت اول)

شهرداری ممقان با استناد به بند ۳ صورتجلسه شماره ۲۸ مورخه ۱۳۹۹/۰۷/۰۷ شورای اسلامی شهر ممقان در نظر دارد نسبت به فروش ۷ قطعه زمین از پلاک ثبتی ۲۸۵۰ و ۲۸۵۱ از طریق مزایده کتبی اقدام نماید، لذا از علاقه‌مندان دعوت می‌شود در صورت تمایل جهت رویت املاک مذکور و دریافت اسناد مزایده از تاریخ نشر آگهی ۱۳۹۹/۰۷/۲۷ تا آخرین مهلت قبول پیشنهادات پایان وقت اداری روز ۱۳۹۹/۰۸/۱۹ به مدت ۱۷ روز کاری از تاریخ انتشار آگهی به آدرس: ممقان - میدان نماز - ساختمان شهرداری ممقان مراجعه و ضمناً جهت کسب اطلاعات بیشتر با تلفن ۳۳۵۱- ۳۴۳۲۲۹۹۲-۰۴۱ تماس و یا به سایت شهرداری Mamaghancity.ir مراجعه فرمایند.

روابط عمومی شهرداری ممقان

مالکین پلاک های ثبتی ۸۰۸/۳ ، ۹۷۸ ، ۸۰۸ ، ۹۳۱ ، ۹۲۷ ، ۸۲۰ ، ۸۱۸ همگی بخش یک یزد

موضوع: ابلاغ کارشناسی پلاکهای محدوده کتابخانه مرکزی یزد

شهرداری یزد

احتراماً طبق ماده ۸ لایحه قانونی و نحوه خرید و تملک اراضی و املاک برای اجرای برنامه های عمومی عمرانی و نظامی دولت و با توجه به اطلاعیه های۹۹/۰۶/۰۵ و۹۹/۰۷/۰۶ و عدم حضور مالکین ، با عنایت به نامه معاون قضایی دادگاههای عمومی و انقلاب شهرستان یزد به شماره ۹۰۳۰/۶۲۹۳/۷۲۱ مورخ ۱۳۹۸/۰۴/۰۳ مبنی بر معرفی کارشناس منتخب و مرضی الطرفین جهت کارشناسی پلاک های در طرح کتابخانه مرکزی ، نظریه کارشناسی پلاک های مذکور به شماره وارده ۹۹۰۹۰۴۴۸۱ مورخ ۱۳۹۹/۰۴/۲۱ اعلام می گردد ، لذا از مالکین و ذینفعان دعوت می شود حداکثر ظرف مدت یک ماه از تاریخ نشر این آگهی با مراجعه به واحد املاک شهرداری منطقه بافت تاریخی واقع در بلوار بسیج نسبت به ارائه مدارک مالکیت و ... نسبت به انجام توافق اقدام نمایند، بدیهی است در صورت عدم مراجعه و انجام توافق ، شهرداری از طریق مراجع قانونی اقدام خواهد نمود.

ردیف	شرح	مساحت تقریبی	هر متر مربع
۱	پلاک ثبتی ۸۰۸/۳ بخش یک یزد	۳۰۰	۷,۵۰۰,۰۰۰
۲	پلاک ثبتی ۹۷۸ بخش یک یزد	۱۲۳۱,۱	۱۸,۵۰۰,۰۰۰
۳	پلاک ثبتی باقیمانده ۸۰۸ بخش یک یزد	۳۹۵	۸,۷۰۰,۰۰۰
۴	پلاک ثبتی ۹۳۱ بخش یک یزد	۱۳۵۰	۱۶,۳۰۰,۰۰۰
۵	پلاک ثبتی ۹۲۷ بخش یک یزد	۲۲۰۰	۱۴,۵۰۰,۰۰۰
۶	پلاک ثبتی ۸۲۰ بخش یک یزد	۱۱۰۰	۸,۰۰۰,۰۰۰
۷	پلاک ثبتی ۸۱۸ بخش یک یزد	۷۱۰۳	۶,۰۰۰,۰۰۰

روابط عمومی شهرداری منطقه بافت تاریخی یزد

آگهی تغییرات شرکت تولیدی نخ شمال سهامی خاص به شماره ثبت ۲۴۷۵ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۸۸۹۷۸۹

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۷/۰۲/۲۹ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : ۱- سمت اعضاء هیئت مدیره تا تاریخ ۱۳۹۹/۰۲/۲۹ به قرار ذیل تعیین گردیدند: آقای امیر رضا عابدی حیاتی به شماره ملی ۰۰۵۸۷۹۱۰۶۱ به سمت رئیس هیئت مدیره و آقای رامین عابدی حیاتی به شماره ملی ۰۰۶۴۶۵۵۵۶۳ به سمت نایب رئیس هیئت مدیره و خانم صغرا محمودی به شماره ملی ۴۸۳۹۷۰۳۵۱۵ به سمت عضو هیئت مدیره و آقای رامین عابدی حیاتی به شماره ملی ۰۰۶۴۶۵۵۵۶۳ به سمت مدیرعامل. ۲- کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور از قبیل چک، سفته، برات و قراردادها و عقود اسلامی با امضای مشترک آقای رامین عابدی حیاتی (مدیرعامل) و آقای امیر رضا عابدی حیاتی (رئیس هیئت مدیره) همراه با مهر شرکت معتبر خواهد بود و کلیه مکاتبات و نامه های اداری با امضای منفرد آقای رامین عابدی حیاتی (مدیرعامل) همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان مازندران
مرجع ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری نوشهر (۱۰۲۲۷۴۱)

آگهی تغییرات موسسه فرهنگی هنری تک منظوره فکر برتر اقیانوس آبی به شماره ثبت ۱۳۹۰ و شناسه ملی ۱۴۰۰۴۷۳۸۲۷۷

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۷/۱۲/۱۵ محل شرکت در واحد ثبتی یزد به آدرس استان یزد ، شهرستان یزد ، بخش مرکزی ، شهر یزد، صفاییه ، کوچه ۱۳ وزیری ، خیابان بوستان ، پلاک ۱۵ ، طبقه همکف کدپستی ۸۹۱۶۸۶۶۴۵۳ تغییر یافت و ماده مربوطه در اساسنامه بشرح فوق اصلاح گردید.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان یزد
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری یزد (۱۰۲۲۷۰۹)

آگهی تغییرات شرکت آویسا سیلک باستان سهامی خاص به شماره ثبت ۶۶۲۶ و شناسه ملی ۱۴۰۰۸۵۶۳۲۸۰

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۳۹۹/۰۷/۱۳ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : - امیرعباس جوادیان به شماره ملی ۱۲۶۲۰۱۲۹۷۱ بعنوان بازرس اصلی و فاطمه سادات محمدی به شماره ملی ۱۲۶۳۳۰۱۸۷۸ بعنوان بازرس علی البدل برای یکسال مالی انتخاب گردید. - ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی ۱۳۹۸ شرکت به تصویب رسید. - روزنامه کثیرالانتشار جمهوری اسلامی جهت نشر آگهی های شرکت انتخاب شد.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان اصفهان
مرجع ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری کاشان (۱۰۲۳۳۹۶)